شاعری شهروندی (۶)
شاعر داوری دینی

帠جمه الإسلام محمد سروش محلاتی٢

1. استاد حوزه علمیه قم و عضو هیات علمیه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

خلاصه

شاعری از متخصص احکام دینی یعنی مجتهد، مانند مراجعه به هر متخصص دیگر، امری کاملاً عقلانی و منطقی است که تقلید نام
نهاده شده است. آنچه در این میان مورد بحث است، قلمرو این تقلید و تبعیت می‌باشد، و تاثیر آن رو شعر عقلانی و منطقی به درستی
مورت تطیق قرار گیرد. نکات تازه‌ای در این بحث دریافت می‌شود. مثال واقع آگاهی برخی از شهروندان نسبت به موضوع‌ها (و نه
احکام) بیشتر باشد داوری آنان در آن زمینه معتبر خواهد بود، بدن آن استنباطی فقهی از سوی آنان صورت گیرد. در واقع
حفظ روش عقلانی تقلید با حافظ احتجاج و فقه صورت می‌پیماید.


نویستگی مؤتله: حجت الاسلام محمد سروش محلاتی، حوزه علمیه قم و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

e.mail:m.soroosh.mahallati@gmail.com

طرح سوال

در جامعه‌ای که بر اساس دین ادیان می‌شود و مردم از شریعت تبعیت می‌کنند، فهراً احکام دینی و حال و حاصل خدا از سوی
عالیان صاحبی نظر که همان مجتهدین می‌باشند، بین می‌شود و شهروندان احکام را از آنان گرفت و از طرف آن عمل
می‌کنند که اصطلاحاً به آن تقلید می‌گویند، ولی آیا این بدان معناست که از داروی دینی درباره موضوع‌ها
محورمند و عضو شهروندان حق دارند درباره حال و حاصل در هیچ موردی اظهار نظر کنند و پویستگی پایان مقلدان، چشم به زبان
مجتهدان بودنند و یا اینکه مردم، یعنی همان مقلدان هم در قلمرو مسائل خاصی می‌توانند نظر دهد و آن نظر دینی
اعتباد دارد؟ در این صورت محدودیت این قلمرو را چگونه می‌توان مشخص کرد؟

بررسی و تحقیق

پاسخ این سوال مانند بسیاری سوال‌های دیگر مرتبط با آن، به پایه جدی قلمرو تقلید بر می‌گردد که پیشرفت نیز اشاراتی به آن
شد. در اینجا با این اشکال موضوع، توضیح داده می‌شود که در این موارد، داوری خود مورد معین است و نباید به دلیل آنکه
در مسائل دینی مجتهد و صاحب نظر نیستند، نظر و داوری‌شان را نادیده انگاشته، داوری در این موارد، از نوع «نظر» در کتاب و
سنت نیست که به تحقیق در «استنباط فقهی» نیاز داشته باشد و مقلدان از آن محروم باشند.

1- بسیاری از «پدیده‌های نویدی» و موضوع‌های جدید در حوزه فرهنگی، اقتصادی و غیره، موضوعاتی است که مقلّ، خود می‌تواند
درباره حکم شرعی آن نظر دهد و اگر حکم آن را از مجتهد می‌پرسد، اثری که تقلید جاهلته است! مثلاً «ماماره» یک پدیده جدید است و حال و حرام بودن آن یک مسئله جدید تلقی می‌شود. ولی آیا واقعاً در این باره، مجتهد به
فصل در کتاب و سنت می‌پردازد؟ تا با صرایح یک کتاب، چیزی درباره ماماره پیدا کند، تا دقت شود این فصل و جستجو یک کار
صد در صد تخصصی است و از غیر مجازت بر نمایید! هر گز، زیرا ماهواره از نقطه نظر فقهی، یک موضوع جدید نیست. فقهی وقتی دریافت ماهواره اظهار نظر می‌کنند بر این نیست که همه موجب فساد است، خرید و فروش آن حرام است. فقهی این حکم را به «مصاق حدید» تطبیق می‌دهد و ماهواره را چون اجازه فساد می‌دهد، فتا به حرام آن می‌دهد. (با توجه به آن چه مطعنین‌گر رایزنی‌های ماهواره اکثریت موضوع فشخ و منكر متشخصاً را در رابطه با نسل جوان‌باشند، لذا خرید و فروش و نصب آن‌ها ماهواره‌ای جایز نیستند) (1) و در همین «تطبيق بر مصاق» می‌کند. فقهی دیگر به نتیجه دیگری به وجود می‌رسد که چون خرید و فروش آتای مشترک که کاربرد خالی و حرام دارد، بلافاصله است، لذا خرید و فروش ماهواره حرام نیست.

درست است که در هر دو اظهارنظر، «ظرفاء» می‌پذیرد هر حرف یا پیش‌نمایی در این باره صادر شده و می‌پذیرد فقط دریافت یک «مصاق» اظهار نظر کرده، اظهار نظر او بر این است: «ماهواره غیرقانونی برای فساد به کار می‌رود» و «اظهار نظر دوم این است: «ماهواره اذاری با دو کاربرد خوب و بد است» اینک می‌توان پرسید که آیا نیست که دو کاربرد برای این است چه می‌تواند در قدرت قرار دارد و چه کاربرد اولی در حالت استیمپانیا است، یعنی فقط کسی که تخصص در فهم و کسب سرپرستی دارد. فقط کسی که در دانش این امور دارای باور نیستند.» این اظهارنامه در حالت کیفری که در سال دنیا از کاربردها اخلاقی آگاهی دارد، مقظمه‌ای از کسی تعبیه کند که در این باره اطلاعات دین‌یاری دارد. در دنیا چندین مساله، فقط کسی که این اظهارنامه که حکم ایزارد مشترکه چیست؟ و سپس متقابل بر اساس تشخیص خود از امر را مختلف مانند این است که ماهواره آی‌آت موسیقی داوری می‌کند که آیا آتال مختصر به فاسادند حرام باشد یا مشترکین تأکید باشد.

به همین دلیل است که قانونی آی‌آت سیستماتیک در این باره به دلیل آنکه به شکل مبنای مسئله را مطرح می‌کند، به شکل مصاقی دریافت دریافت با این اظهارنامه به نظر نمی‌دهد، دلایل امتیاز است. ایشان پس از تفکیک آنچه که برای استفاده یک حرام تولید می‌کند، یعنی فقط کسی که در آن باره معنای حرام و سالم صناعه از آن است، به استفاده می‌پردازند، مسوولیت از آن چیزی که حکم ایزارد مشترکه چیست؟ و سپس متقابل بر اساس تشخیص خود از امر را مختلف مانند این است که ماهواره آی‌آت موسیقی داوری می‌کند که آیا آتال مختصر به

۲- در بسیاری از رفتارهای که به عنوان دین صورت می‌گیرد و حتی گاه به عنوان «واج» معروف می‌شود، به تشخیص «شیوه‌ها و روش‌ها» مربوط می‌شود، خارج از قلمرو فقه است، و استفاده قانونی نمی‌کند. وقتی دولت تصمیم ببرد و پیدا بگیرد به دنبال می‌کرد و به دنبال انتخاب افراد این جنگ اقدام می‌کند و درباره نوع اول توقیف به حرام و درباره نوع دوم توقیف به حلبت برای منافع حلال می‌دهد. (الا نهایت‌النها) که یکی از نواحی المان نبوده خداوند می‌کند، ولی روش است که «دستگیری» فرد بی‌جدایی یا «حمک شرعی» نیست و در این باره نقص خاصی وجود ندارد. بلکه این کار «شیوه‌ها» از نهی از منکر است و از سویی دیگر، همه این ظاهر داشتن‌که در نهی از منکر بايد از شیوه متفاوت است که کدامیکی که عوارض متینی به جا تکذیر و نویسندگان، رفتار‌های تلفیقی را تغییر دهنده و ارتکاب منکر به‌نظر می‌رود. (۳) نسازنده بر حیطه مکتبی، به این وسیله خواسته‌اند، این واجب توأم با تدابیر و به شکل منطقی انجام شود. (۴) دخالت منطقی به معنی آن است که از تأکید بکر بر برم و نهی زبانی یا قضا و زور عمل توسط دردآورشته و زمینه‌ها یعنی وقوع منکرات را در جامعه شناسایی کرده و به

دنیال اصلاح آن برآید.
بحثی از نظر اینکه منطق وارد امر به معروف و نهی از منکر شود این است که حساب کرد ریسیدش در چیزی سببی دارد و همچنین عدم رشد و نشیب چیز سببی دارد، با سبب منکر یا اجرای منکر و سبب معروف و نهی انجام کرد. حاکم منطق این است که فکری دیدگان و نوشته شود و بعد هم اگر دیدگان که و نوشته‌های بیان‌نامه اعمال زور کردند، در صحیحی که منطق این نیست. منطق این است که مراجع اجتماع به دست آمد که چرا منکر را ذهنیتگری و معروف سبیاب زده است. نظاراً چنین و بنگرد چنین دیگری نشان‌دهنده شده نیست. به همین جهت اعتقادات این است که ابتدا باید پنداشته تحکم آمیز کرد و بعد هم اعمال زور و جیر کرد. باید قول کرد که خیز دیگری متوقف نکنیم که در این است که نظر منطق دیگری

هم هست که صبح‌یار است.» (5)
شعر شهروندی (۶)

عینی باشند، در این صورت صحت حکم را با معیار تجربه می‌توان محکم و چنانچه در آزمون، به توافقات ما پاسخ ندهد و از تأیید آنچه را ادعای می‌کنند، ناپایدار بدانند. لیکن بر خصوص در حکم استنادی، هم شهروندان فاقد تخصص فقهی نیستند و در استنباط را اشترانده ولی اجمالی می‌توانند اطعامشان باشد که عیب و ایرادی وجود دارد. مثل سرشناسی یک خودرو که وقتی صادق گیرشماری از موتر می‌شوند و یا حکمیزدگی‌گی از می‌شوند، فی از معروف بودن خودرو می‌برند. همچنین معمول‌بیماران یا هرمانه‌گان آنان، می‌توانند تأثیرات منفی دارو, را در بیماری به‌هیمنه و به‌خطر پزشک‌پرست، یعنی هرچند که به دلیل نقاشی تخصص، آگاهی کامل از آن ندارند.

در قرآن، گزاره دیگری در همان وقتی که با ادعاهای دینی‌های همراه باشند، عبده باید داوری شهروندان باز می‌شود. آنها هرچند نمی‌توانند یک میوه، چون «دین من گویند» چون دانش آن را ندارند. ولی می‌توانند یکمی‌شود. «دین من گویند» چون توقف و انظاری که از حکم وجود دارد، حقایق ویدیا می‌کند. در حقیقت، مقدّد در رساله‌های خواندن که زکات که از «چه»، مانند کنیم، خرما و کشک‌نیت تعلق می‌گیرد و از سوی دیگر به یا گفت، به‌صورت همه نیازهای جامعه از فقر و مساوی‌کننده‌های، آموزشی و درمانی و رفاه مردم را تأیید می‌کند. پس اگر این نقل‌می‌تواند به محاسبه‌شدنی و با اروند، زکات به‌صورت (مانند ایران) داوری که این اخلاقیات نیازمندان کشور، تمامی می‌شود و رفته ریشه‌کن که ویک‌گریده‌شده نیست. در همان وقتی که اینگونه خلاقانه‌های خود، منبع آشکار از ظنیفته در قدر موارد، پرشین نیست، امکان دارد و به‌حیث می‌شود در استنباط این حکم با خلاقیت عالمی. در همان وقتی که این گروه از نظرات، می‌تواند به حکم خلاف واقعیت به عنوان «فرمان اله» تسلیم شود. در زمینه تأیید امری که رفاه، عدالت و دیگر مسئولیت‌های حکومت نشان عیب‌هایی در تجربه گروهی می‌تواند به کمک تأیید یک حکم شریعتی آمده و یا بر جهت ابطال یک حکم به معنای کشف اشتباه در استنباط به کار گرفته شود. (خیلی از نگهبانی‌ها قبلاً بر آرای حکم به‌حیث استناد به حکم‌های اینکه بر تجربه این مثلاً علائم در اولین شهر مادر را بارا فرزند واجب می‌دانند چون آن‌ها منابع واقعیت به آن باستان دارد (۶) ولی به این فتا و استدلال اعتراض شده که با تجربه نمی‌سازند. (۷) و به تعبیر کاشف النظار: یافتن تجربه تغییرهای (۸)

بر این است، تجربه یک روش برای ریسیدن به حکم شریعتی نیست و در استنادی، قبلاً نیست. وقتی که «اجرا» حاکمیت می‌شود و آثار آنها به شکل ثبت یا منفی در زندگی مردم ظهور و بر این پیدا می‌کند، می‌توان حس را در استنادی تا حد جدید بوده با متلاً به حکم‌کردنی است و این داوری حق مناسبی است که آن‌ها احکام شریعی را در زندگی خود اجتناب می‌کنند.

اختلاف قطعی، گاه در برخی از مسائل استنادی قبلاً وقتی به نتایج عملی فتوال خود الناظر می‌کنند و لوازم آن را مردم دریا، میدانند، مجدداً به منابع استنادی می‌کردند و با توجه خوبی به بیان و دوست‌داری‌ها در دهه‌های اخیر به دلیل کرت حجی را داده است، موارد متعددی از این تجربه‌ها نیز در بسیاری مسائل دیگر اتفاق افتاده است. موضوع نقش تجربه در مکا خوشنست استنادی هم به بهبود و بیشتر دقت و مفصل نیاز دارد و هنوز چنان پژوهشی انجام نشده است.

به هر حال با توجه به نتایجته‌های فوق، چنان می‌توان تجربه گرفت که در جامعه اسلامی هرچند در قلمرو جدایی‌ها برای اظهار نظر قبلاً قبلاً و اظهارگر شهروندان وجود دارد ولی آنها مهم است تکثیف این دلیل و تعداد در میان آن‌هاست. شرایط کنونی جامعه نشان می‌دهد که این مردمیان رعایت نمی‌شنوند و به سپاس محبتی که به فقا جمعیت می‌دهند و از آنی توافق حل مشکل را دارند در حالی که بیش از یکبار فکرقد منفی‌زده و به سپاس محبتی را که باید به هر قبلاً مراجعه کرد و در اینجا را به آنها شریعت، در حالی که حقیقی را در می‌دانند غیر
مقاله دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان/دوره 22/شماره 3/پاییز 1391

بحث الإسلام محمد مروش محلاطی

منطقی سیطره بهینه که به کاوش قلمرو دانشگاه دیگر و فشار بر ارواح فنون مختلف می‌انجامد، درآیش شناسایی حکومت اسلامی پایدار مورد بررسی جدی قرار گیرد.

منابع

1- فاضل لنکرانی، محمد. جامع المسائل ج 1. قلم: امیر قلم: [می‌توان چاپ ۱۳۶۶].
2- صافی کلب‌آقانی، لطف الله. جامع الاحکام ج 1. قلم: انتشارات حضرت موسی مصنوعه (س): ۱۳۱۲، ۱۳۱۷.
3- سیستمی، سید علی. منهاج الصالحین ج 2. قلم: دفتر آیت الله سیستمی: ۱۳۲۸.
4- مطهری، مرتضی. ژده کتفان. تهران: صدر؛ ۱۳۷۴.
5- مطهری، مرتضی. پایداشتهای استاد مطهری ج 1. تهران: صدر؛ ۱۳۸۵.
6- حکیم، حسن بن پرواف. قواعد الاحکام ج 2. قلم: دفتر انتشارات اسلامی: ۱۳۱۲.
7- حکیم، مقداد. التنقیح الراجح ج 1. قلم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛ ۱۳۸۴.
8- کاشف الغ bara، جعفر. شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامه ابن المطهر. مؤسسه کاشف الغطا- الدخائر: ۱۳۸۰، ۲۳۳.